

Andishe.e.Taqrib.42 Vol. 17, No. 3, Autumn 2022 P. 113- 139	اندیشه تقریب ۴۲ سال هفدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۱، پیاپی ۴۲ ص ۱۱۳-۱۳۹
---	--

## بررسی فقهی و اخلاقی استفاده از جنگ افزارهای کشتار جمعی و سلاح هسته‌ای

رحیم ابوالحسینی<sup>۱</sup>

زهره روشنا(نویسنده مسئول)<sup>۲</sup>

### چکیده

صلح و امنیت از نیازهای ذاتی و فطری بشر است و یک اصل اساسی و عقلی است. سلاح‌های کشتار جمعی، جنگ‌افزارهایی هستند که از اواخر قرن نوزدهم اهمیت پیدا کردند و در سال‌های اخیر گرفتاری‌های بسیاری را در بین کشورها به وجود آورده، چرا که برای انسان‌ها و هر موجود زنده دیگری بالاترین خطر را به دنبال دارد و حتی محدود به یک نسل نیست و بشریت و نسل‌های آتی را نیز تحت شعاع قرار می‌دهد.

این مقاله با تبیین مفهوم صحیح جهاد در اسلام، به مفاهیم جنگ‌افزارهای کشتار جمعی و سلاح‌های هسته‌ای اشاره و دیدگاه فقهی و اخلاقی و به‌صورت گسترده‌تر نگاه اسلام نسبت به این مسئله را بررسی می‌نماید و با ملاحظه گزاره‌های اخلاقی و انسانی و هماهنگ با فطرت بشری، به این جنگ‌افزارها و پیامدهای ناشی از استفاده از آن‌ها می‌پردازد.

**واژگان کلیدی:** جنگ‌افزار، کشتار جمعی، سلاح هسته‌ای، جهاد.

۱. استادیار گروه فقه و اصول جامعه المصطفی العالمیه. rahim.ab44@yahoo.com

۲. کارشناس رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز Roshana. Zohre71@gmail.com

## مقدمه

صلح، امنیت و آرامش و خواستن دنیای بدون جنگ و خونریزی از امور فطری است و فطرت پاک و غیرآلوده انسانی همواره به دنبال آن بوده است و سالیان سال است که آرزوی همیشگی بشر صلح، سازگاری و همدلی بین اینا و افراد بشر است.

جنگ، نزاع و خونریزی با فطرت اولیه انسان ناسازگار است و هر انسانی با توجه به فطرت سلیم خویش از آن بیزاری می‌جوید. این یک اصل مسلم و غیرقابل انکار و یک اصل عقلی است. با نگاهی گذرا به تاریخ زندگی جوامع بشری در می‌یابیم که پیدایش سلاح و گسترش آن در میان جوامع مختلف، ثمره‌ای به جز افزایش و توسعه ارتباطات خصوصاً آمیز میان دولت‌ها نداشته است و جنگ و نزاع نمونه بارز آن است که طرفین مناصمه برای رسیدن به مقاصد خود از جمله توسعه طلبی ارضی، کشورگشایی، قدرت طلبی و... به سلاح‌های مختلف کشتار متوسل می‌شوند.

ماهیت سلاح‌هایی که به هنگام جنگ استفاده می‌شوند متغیر است، سالیان گذشته در جنگ‌ها از سلاح‌های معمولی و ابتدایی برای غلبه بر دشمن استفاده می‌شد و بیشتر نزاع‌ها و درگیری‌ها به صورت نبردهای تن به تن و یا در اثر حملات دسته جمعی بین جنگ جویان بود، اما در سال‌های اخیر، هم‌زمان با پیشرفت بسیار سریع علوم در عرصه‌های مختلف و فناوری هسته‌ای و ظهور تکنولوژی‌های نوین، سلاح سازی نیز پیشرفت گسترده‌ای داشته است و همین امر موجب تغییر ماهیت جنگ شده است.

قدرت سلاح‌های امروزی وصف شدنی نیست و در مقایسه با سلاح‌های گذشته قدرتی چندین برابر دارند. به گونه‌ای که به‌کارگیری این نوع سلاح‌ها حتی می‌تواند حیات بشری و تمام جانداران زنده کره زمین را از بین ببرد؛ جنگ‌افزارهای کشتار جمعی و سلاح‌های هسته‌ای نمونه‌ای از این قبیل سلاح‌هاست.

اسلام دین صلح و سلامت است و پیامبر او حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی ﷺ، برای تمام جهانیان رحمت است. از این رو، تولید و به‌کارگیری سلاح‌های کشتار جمعی از دیدگاه اسلام، نه تنها توصیه نمی‌شود، بلکه کاملاً ممنوع و حرام شرعی است؛ زیرا از لحاظ ایجاد هراس و وحشت، به‌مثابه تروریسم هسته‌ای، اقدام خشونت‌بار و مخمل امنیت عمومی در سطح بین‌المللی

است و از مصادیق منکر می‌باشد؛ همچنین با اصول تفکیک و منع از کشتار غیر رزمندگان و غیرنظامی‌ها و مردم بی‌دفاع، مصونیت پیران، کودکان، زنان، دیوانگان و رعایت قواعد بشردوستانه، اصل محدودیت در شیوه جنگ و همچنین با اهداف جهاد اسلامی که متبلور در دفاع و دعوت به توحید و گسترش آزادی‌های دینی و رفع استبداد و مبارزه با سران فتنه است، مغایر است.

### مفهوم لغوی سلاح‌های کشتار جمعی

سلاح‌های کشتار جمعی در زبان انگلیسی Mass Destruction و Massacre Weapones بیان می‌شود.

واژه Mass به معنای «توده» و یا «جرم» است. واژه Genocid متشکل از ریشه یونانی Genos به معنای «نژاد» یا «قوم»، و ریشه لاتینی Cide به معنای «کشتن» است. در زبان عربی از سلاح‌های کشتار جمعی به «اسلحه الدمار الشامل» تعبیر می‌کنند. «الدمار» به معنای «هلاکت» و «قتل» است و «الشامل» به معنای «عام»، «جمع» است. گاهی نیز تعبیر «سلاح‌های غیرمتعارف» یا Unconventional Weapons برای سلاح‌های کشتار جمعی به کار می‌رود و منظور به کارگیری جنگ‌افزارهایی است که در حقوق بین‌المللی بشردوستانه استفاده از آن‌ها ممنوع است.

### مفهوم اصطلاحی سلاح‌های کشتار جمعی

سلاح‌های کشتار جمعی جنگ‌افزارهایی هستند که برای انسان‌ها و حتی هر موجود زنده دیگری بیشترین و بالاترین خطر را ایجاد می‌کنند، قدرت تخریب بسیار بالا و فوق‌العاده‌ای دارند و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به طرق مختلف از راه تخریب محیط زیست یا بناهای ساخت بشر به انسان‌ها و محیط پیرامون و سازه‌های بشری آسیب می‌رسانند، آسیبی که برگشت‌ناپذیر و جبران‌ناشدنی است به این معنا که امکان ترمیم و بهبود به وضع اولیه را ندارند یا منجر به کشتار گروهی انسان‌ها می‌شود. در به‌کاربردن این سلاح‌ها و آسیب‌رسانی آن‌ها میان نظامیان و غیرنظامیان نمی‌توان تفکیک قائل شد؛ به‌گونه‌ای که هرگاه از این سلاح‌ها استفاده می‌شود در کنار نظامیان، شمار بسیاری از غیرنظامیان از زنان، کودکان، سالمندان هم قربانی می‌شوند. این سلاح‌ها که دارای قدرت تخریب فراوان هستند، به منظور انهدام وسیع به‌کار رفته و دارای

آثار مخربی است که نمی‌تواند به اهداف معین محدود شود. این سلاح‌ها که گاه با علامت اختصاری A.B.C از آن‌ها یاد می‌شود. در مقابل سلاح‌های قرار دارند که به سلاح‌های متعارف موسوم هستند. معادل سلاح‌های کشتار جمعی در زبان فارسی ش.م.ه (شیمیایی، میکروبی و هسته‌ای) می‌باشند. (ممتاز، ۱۳۷۷، ص ۱۰-۱۶)

یکی از علت‌هایی که سلاح‌های کشتار جمعی را از دیگر سلاح‌ها جدا می‌کند و ممنوعیت تولید، انباشت و به کارگیری آن مطرح می‌شود، آن است که دولت‌ها در درگیری‌های خود مجاز نیستند از هر جنگ افزاری برای رسیدن به اهداف خود استفاده کنند، همان گونه که در کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ آمده: «در هر درگیری مسلحانه، حق طرف‌های درگیری در انتخاب روش‌ها و وسائل جنگی نامحدود نیست.» (سیاه رستمی، ۱۳۸۶، ص ۴)

تعاریف بسیار متعددی از جنگ افزارهای کشتار جمعی مطرح شده است که به تعاریفی چند اشاره می‌شود:

در بیانیه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ جهانی در تعریف جنگ‌افزارهای کشتار جمعی آمده است: «سلاح‌هایی که بنا به ماهیت خود و نحوه استفاده از آن، موجب آثار مخرب غیرقابل تفکیک می‌شوند.»

در بیانیه توافق پاریس سال ۱۹۵۴ برای پیوستن آلمان به پیمان آتلانتیک شمالی ناتو در ضمیمه ۲ از پروتکل سوم توافقات که ناظر به کنترل تسلیحات است این چنین آمده است: «سلاح‌هایی که قابلیت انهدام و زیان‌های گسترده و یا ایجاد مسمومیت در سطح وسیع را دارند در زمره این تسلیحات است.»

در تعریف دیگری آورده شده است: «سلاح‌هایی که از حیث تخریب دارای آثاری مانند آثار سلاح‌های اتمی، بیولوژیک و شیمیایی هستند در دسته سلاح‌های کشتار جمعی قرار می‌گیرند که به کارگیری آن‌ها بدون شک مرگ را در پی دارد»، البته این تعریف برای زمان کنونی مطرح شده است چرا که ممکن است در آینده سلاح‌های کشتار جمعی دیگری تولید شوند که آثار دیگری به همراه داشته باشند.

در تعریف سلاح اتمی و یا سلاح هسته‌ای نیز گفته شده است: «سلاحی که در ساخت آن از مواد منفجره هسته‌ای و یا از ایزوتوپ‌های رادیواکتیو استفاده شده و در اثر انفجار و یا دیگر تغییرات

هسته‌ای، قادر به انهدام یا مسمومیت در سطح بسیار گسترده شود، سلاح اتمی یا هسته‌ای می‌نامند».

در تعریف سلاح‌های بیولوژیک نیز آمده است: در هر ماده بیولوژیک که تاثیر آن وابسته به تکثیر در داخل ارگانیزم هدف بوده و برای آن که باعث بیماری یا مرگ در انسان، حیوان و گیاه شود، در جنگ مورد استفاده قرار می‌گیرد. (ممتاز، ۱۳۷۷، ص ۱۰-۱۶).

در میان سلاح‌های کشتار جمعی، سلاح‌های هسته‌ای بیشترین توجه جامعه جهانی را به خود معطوف نموده است؛ زیرا که ارتباط تنگاتنگی با صلح و امنیت بین‌المللی دارد. سلاح‌های هسته‌ای می‌تواند قدرت کلی انفجاری در مواد منفجره را به میزان یک میلیون برابر افزایش دهد و بمب استفاده شده در هیروشیما و ناکازاکی یک‌دهم بمب‌های هسته‌ای کنونی بودند و حتی بعد از جنگ سرد سلاح‌های هسته‌ای گسترش یافته‌اند.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قطعنامه‌های زیادی به‌کارگیری این نوع سلاح‌ها را محکوم نموده است؛ شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز آن را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی می‌داند. مهم‌ترین نظر را هم دیوان بین‌الملل دادگستری در رأی مشورتی خویش در سال ۱۹۹۶ اعلام داشته است. رأی که مبهم و دوپهلوی بوده و بحث‌های زیادی را به همراه داشته است؛ چون دیوان در آن رأی نتوانست مشروعیت و یا عدم مشروعیت به‌کارگیری سلاح‌های هسته‌ای را کاملاً مشخص نماید. (البرزی ورکی، ۱۳۸۳، ص ۵-۸۷).

این مسئله سبب گردید برخی دولت‌ها از جمله آمریکا، فرانسه و انگلیس قائل به محفوظ بودن حق در استفاده از سلاح هسته‌ای باشند.

دولت‌های هسته‌ای عبارت‌اند از: آمریکا، روسیه، انگلستان، فرانسه و چین و دولت‌های اسرائیل، هند و پاکستان نیز به سلاح‌های هسته‌ای دست یافتند.

برای تبیین عناصر اساسی تعریف سلاح‌های کشتار جمعی به تاسی از نوشتار دکتر جمشید ممتاز در امر شاخص عمومی؛ «قابلیت قدرت تخریب» و «نتیجه عملی و فعلیت و حجم تلفات» اشاره می‌شود. (ممتاز، ۱۳۷۷، ص ۱۰-۱۶).

در بررسی نظریه‌های متعدد به‌کارگیری سلاح‌های کشتار جمعی چهار مسئله بسیار مهم و حائز اهمیت است:

۱. جمع میان نظامیان و غیر نظامیان؛ ویژگی تفکیک‌ناپذیری در اهداف و همه‌گیر بودن آن‌ها؛ ۲. تخریب محیط زیست؛ ۳. ایجاد کشتار و تخریب گسترده؛ ۴. جبران ناپذیر بودن آن. پیرامون سلاح‌های هسته‌ای باید این مطلب را عنوان نمود: در واقع هیچ کشوری نباید حتی در اجرای حقوق ذاتی نظیر دفاع مشروع، و به‌منظور تأمین امنیت خود امنیت دیگر دولت‌ها و امنیت جامعه بین‌المللی را به خطر اندازد، استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی در واقع نوعی سوءاستفاده از حق دفاع به نظر می‌آید و دیوان بین‌المللی دادگستری با سکوت نسبت به منع کارکرد سلاح هسته‌ای در مقام دفاع مشروع به‌نوعی کاربرد سایر سلاح‌های کشتار جمعی را توجیه کرده است. تردیدی نیست که از دیدگاه عقل استفاده از چنین سلاحی قبیح است، حتی در فرضی که دشمنان از این نوع سلاح استفاده نمایند.

#### دیدگاه اسلام به جهاد و استفاده از جنگ‌افزارهای کشتار جمعی

جهاد از ریشه «ج ه د» به معنای تلاش، کوشش و به نهایت چیزی رسیدن است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۳۷).

جهاد از آموزه‌های اسلامی، به معنای کوشیدن همراه با فداکاری در راه خدا، با جان، مال و دیگر داشته‌های انسانی است و در اصطلاح، به جنگ‌ها و مبارزه‌هایی گفته می‌شود که باهدف گسترش اسلام و یا دفاع از آن انجام می‌گیرد. (هیكل، ۱۴۱۷، ق).

در دین مبین اسلام جهاد از دو منظر بیان شده است، یکی جهاد ابتدایی است که با هدف دعوت کفار و مشرکین به توحید صورت می‌پذیرد و لازمه‌ی آن اذن امام معصوم است و بنابر نظر اکثر فقها، بدون اذن امام، جهاد ابتدایی مشروعیت نخواهد داشت.

«جهاد ابتدایی یکی از انواع جهاد نزد مسلمانان است که انگیزه‌ی آن طرد موانع دعوت غیر مسلمانان به اسلام، یا دفع خطر حمله‌ی آنان است؛ این نوع جهاد از سوی مسلمانان برای گسترش اسلام آغاز می‌شود.» (مومن، ۱۳۸۰، ص ۳-۷)

نوع دیگر از جهاد در اسلام، جهاد برای دفاع از خود یا دیگری (امت اسلامی یا مسلمانان مظلوم) است، در این نوع از جهاد، اذن امام شرط نمی‌باشد و مسلمین در صورت بروز حمله دشمنان، موظف به دفاع از اسلام و میهن اسلامی هستند.

«جهاد دفاعی عبارت است از پیکار با هدف دفاع از اسلام و سرزمین‌های اسلامی در برابر

دشمن مهاجمی که اساس اسلام را تهدید می‌کند، یا قصد استیلا بر سرزمین‌های اسلامی، ناموس و اموال مسلمانان و یا کشتن گروهی از مسلمانان را دارد.» (شهید ثانی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۲۹۳، کتاب الجهاد).

در این نوع از جهاد، تعرض به غیرنظامیان و قتل افراد بی‌گناهی که نه در میدان نبرد علیه مسلمانان بوده‌اند و نه نظامی به حساب می‌آیند، معنا و مبنای منطقی و شرعی ندارد، بلکه به شدت مضموم و ناپسند شمرده شده است.

سایر مکاتب بشری اغلب هدف از جنگ را توسعه‌طلبی، غارت ثروت ملل دیگر، استعمار، قدرت‌طلبی و... تلقی می‌کنند، حال آن که در اسلام جهاد با هدف انسانی و الهی مشروعیت پیدا می‌کند و دعوت به پذیرش اسلام و نیز دفاع مشروع از موجودیت و صیانت از عقیده و میهن، از اهداف اساسی آن به شمار می‌رود.

در مراجع عظام تقلید نظر آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی پیرامون جنگ در نگاه اسلام، اشاره می‌شود: «جنگ در منطق اسلام هرگز به‌خاطر انتقام‌جویی یا جاه‌طلبی، کشورگشایی یا به‌دست‌آوردن غنائم و اشغال سرزمین‌های دیگر نیست. اسلام همه این‌ها را محکوم می‌کند و می‌گوید سلاح به دست گرفتن و به جهاد پرداختن، فقط باید در راه خدا و برای گسترش قوانین الهی و بسط توحید و عدالت و دفاع از حق و ریشه‌کن ساختن ظلم و فساد و تباهی باشد.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۵۲).

از آیات قرآن کریم درمی‌یابیم که اسلام دین صلح و رحمت است، (بقره (۲): ۲۰۸) و در آموزه‌های آن گاهی می‌بینیم که احکامی مانند جهاد، به‌خوبی برای افراد تبیین نشده است و یا عملکرد نادرست برخی گروه‌های متحجر مانند وهابیون، طالبان و... با استفاده ابزاری از دین و آموزه‌های مقدس دین اسلام زمینه‌ساز برداشت‌های ناصحیح در رابطه با اسلام شده است، به همین جهت تبیین دیدگاه اسلام در این حوزه اهمیت فراوان دارد.

با تفحص در آموزه‌های فقهی می‌بینیم که برآمدگی دفاعی در برابر دشمنان تأکید فراوانی شده است. یک جنبه از این آمادگی، مجهز شدن به انواع ابزارآلات جنگی و دفاعی است و برخی از این ابزارآلات، سلاح‌های نامتعارفی چون هسته‌ای و شیمیایی‌اند که به دلیل آثاری که دارند به‌عنوان سلاح‌های کشتار جمعی شناخته می‌شوند. اگرچه ظاهر برخی از آیات و روایات دلالت بر جواز، بلکه لزوم تولید و نگهداری این نوع سلاح‌ها به‌منظور حفظ آمادگی دفاعی در برابر

دشمن می‌کند، لکن با توجه به هدف نهایی این آمادگی که تقویت زمینه صلح و امنیت است، می‌توان گفت مجهز شدن به این سلاح‌ها با این هدف منافات داشته و مشمول این ادله نیست و با بررسی دقیق می‌توان روایات و ادله‌ای که در این زمینه مطرح شده است را پاسخ‌گو بود.

از جمله موارد دیگری که پیرامون سلاح‌های کشتار جمعی باید در نظر گرفت، مسئله تولید، انباشت و افزایش توان تخریبی این‌گونه سلاح‌ها است که خود عامل خوف و هراس در جامعه بشری و برهم‌زدن امنیت و آرامش روحی است و این‌که مستلزم وارد شدن ضرر و آسیب جدی به محیط‌زیست و انسان است و نیز این‌که داشتن این سلاح‌ها، قدرت آفرین نبوده و امنیت حاصل از آن دروغین است و از این‌رو ضامن تحکیم و حفظ قدرت دارنده آن نیست؛ تولید و انباشت این سلاح‌ها کاری بیهوده، پرهزینه و پردردسر و مصداق اسراف و تضييع اموال بیت‌المال است و شرعاً جایز نیست.

فقها در بیان حکم اولیه به اتفاق به حرمت تولید و استفاده از این تسلیحات فتوا داده‌اند. از جمله عناوین ثانویه که تغییردهنده حکم خواهد بود، قاعده مقابله به مثل است و از دیگر عناوین ثانویه قاعده ضرورت است که با پیدایش آن، تکلیف مربوط از عهده مکلف برداشته می‌شود و نتیجه آن جواز ارتکاب فعل حرام است.

آن‌چه از مبانی دینی و اسلامی استنباط می‌شود، آن است که استفاده از تسلیحات کشتار جمعی ذیل عناوین ثانویه نیز مجاز نیست. اگر هدف جنگ، تسلیم دشمن از طریق نبرد با نیروهای نظامی اوست، آسیب‌رسانی به کسانی که در جنگ مشارکتی ندارند، موجبات آسیب و تألم بی‌گناهان را فراهم خواهد آورد که امری بی‌فایده، غیرضروری و غیرانسانی محسوب می‌شود و تناسبی با ضرورت‌های نظامی نخواهد داشت. آن‌چه در کاربرد تسلیحات کشتار جمعی مشهود خواهد بود، کشتار مردم بی‌دفاع و تخریب اموال غیرنظامیان است که به دور از صحنه منازعه هستند و در حمایت حقوق اسلام قرار دارند، چرا که اصل تفکیک در اهداف، یکی از اصول مسلم حاکم بر جهاد در اسلام محسوب می‌شود، به طوری که این اصل مورد اتفاق فقهای اسلام است و باید در تمام جنگ‌ها رعایت شود.

دیدگاه شرع مقدس اسلام این است که تولید و به‌کارگیری سلاح‌های کشتار جمعی، نه تنها توصیه نمی‌شود، بلکه محکوم، ممنوع و حرام شرعی است. البته تمام یا غالب ادله، ناظر به منع استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی است؛ اما روشن است که تولید سلاحی که به‌کارگیری



آن حرام است و باعث تضييع بيت المال و بی اعتباری حکومت اسلامی و بدینی به امت اسلامی می‌شود، این حکم را دارد.

دین مقدس اسلام در ۱۴ قرن پیش استفاده از تسلیحات کشتار جمعی را از طریق آیات قرآن کریم و سیره نبوی و سنت معصومین علیهم‌السلام منع نموده است و در عصر جدید و در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عج)، مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در رابطه با حرمت تسلیحات هسته‌ای، فتوای تحریم استفاده از سلاح‌های هسته‌ای را تکرار کردند و فرمودند: «به اعتقاد ما افزون بر سلاح هسته‌ای، دیگر انواع سلاح‌های کشتار جمعی نظیر سلاح شیمیایی و سلاح میکروبی نیز تهدیدی جدی علیه بشریت است؛ ملت ایران که خود قربانی کاربرد سلاح شیمیایی است بیش از دیگر ملت‌ها خطر تولید و انباشت این‌گونه تسلیحات را حس می‌کند و آماده است تمام امکانات خود را در مسیر مقابله با آن قرار دهد. ما کاربرد این سلاح‌ها را حرام و تلاش برای مصونیت بخشیدن ابناء بشر از این بلایای بزرگ را وظیفه همگان می‌دانیم». (KHAMENEI.IR، ۱۳۹۹)

هم چنین برخی از فقهای معاصر برای استنباط حکم حرمت برای این قبیل از سلاح‌ها از عنوان «سم» استفاده کرده‌اند که در برخی از روایات وارد شده و مورد نهی اکید قرار گرفته است. (صدر، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۳۸۵).

در میان فقهای اهل سنت نیز دیدگاه غالب بر این است که هرگونه استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی حرام است. این مطلب را می‌توان در عبارات متون فقهی و حتی سایر متون دینی علمای اهل سنت دید. در عموم متون فقهی و حقوقی کشورهای عربی ضمن بررسی احکام مختلف سلاح از جمله، تولید، تملک، کاربرد و ذخیره‌سازی حرمت استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی یا همان «اسلحة الدمار الشامل» بیان شده است (آل شیخ، ۲۰۱۰، ص ۴۵-۱۰۳) در متون فقه مقارن نیز به این مطلب اشاره شده است.

برای مثال در کتاب الفقه المقارن آمده است: «الإسلام لا يرضى أبداً وتحتة ذريعة بالاضرار بالآخرين، وقد ورد هذا المعنى في الحديث المشهور: «لا ضرر» الوارد في كتب أهل السنة و الشيعة عن رسول الله صلى الله عليه وآله (احمدبن حنبل، ۱۴۱۶).

«ويبين هذه الحقيقة و هي أن الاسلام يمنع من إنتاج أى شىء يضر بالفرد والمجتمع، من قبيل المنتجات التي تلوث البيئة، وتضر بحياة الحيوانات البرية والمائية وتخریب الغابات

و تلویث البحار، أو إنتاج أسلحة الدمار الشامل». (همان)  
 همان‌گونه که از این عبارت به دست می‌آید عموم قاعده لاضرر هرگونه ضرر به جامعه اسلامی از جمله ضرر ناشی از کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی را شامل می‌شود.  
 از این رو، در میان فرق مختلف اسلامی هیچ فقیهی نمی‌تواند از عمومات ادله شرعی، جواز استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی را استفاده کند.  
 در ادامه به صورت دقیق‌تری به ادله و شواهد و مستندات فقهی و اخلاقی و حقوقی در این زمینه خواهیم پرداخت.

### پیامدها و آثار زیان‌بار کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی

تولید سلاح‌های جنگی در قالب سلاح‌های شیمیایی، بیولوژیکی، رادیولوژی و هسته‌ای (CBRN) مهم‌ترین سلاح‌های کشتار جمعی (WMD) تلقی می‌شوند. متأسفانه شاهد آن هستیم که نرخ مرگ‌های ناشی از تهدیدهای CBRN در سال‌های اخیر به طور قابل توجهی افزایش یافته است و پیش‌بینی رخدادهای تروریستی شبیه به بلایای طبیعی به صورت ناگهانی و غیرقابل پیش‌بینی شده است و کمتر در قالب تهدیدهای آشکار اتفاق می‌افتند.  
 حوادث ناشی از استفاده سلاح‌های هسته‌ای و شیمیایی، تمام اقشار جامعه را در بر می‌گیرد و به دلایل مختلف از جمله پایداری عوامل CBRN در محیط، نشانه‌ها و هشدارهای گمراه‌کننده می‌تواند آسیب‌های جسمانی، اقتصادی و به‌ویژه روانی - اجتماعی حادی را برای مردم جامعه و دولت‌ها به وجود آورند.  
 واکنش‌های روان‌شناختی همچون نشانه‌های حوادث تروماتیک، برانگیخته‌گی هیجانی بالا، اختلال در خواب و اشکال در تمرکز در قربانیان این حوادث به وضوح قابل مشاهده می‌باشد.  
 ماهیت سلاح‌های CBRN به دلیل ویژگی‌هایی همچون ناشناخته بودن تهدید، ابهام، فقدان کنترل، احساس ناامیدی و بی‌یاوری تنش بیشتری را در افراد و گروه‌ها ایجاد می‌کنند. افزون بر آن افراد جامعه پس از حادثه تروریستی ممکن است پدیده احساس «فقدان جامعه» را تجربه نمایند. به‌طور کلی پس از حادثه و حمله CBRN، جامعه از طریق «نظام واکنش فوریتی» فعال شده و درصدد رفع آسیب‌های پس از حادثه بر می‌آید.  
 هدف اصلی در تهدیدهای CBRN دستیابی به اهداف سیاسی بوده و دولت و یا گروه

اقدام‌کننده تلاش می‌کند تا از طریق کشتار وسیع مردم، ایجاد رعب و وحشت، تخریب نهادهای حمایتی و اقتصادی جامعه و دست‌یابی به موضعی برتر به این هدف دست یابد؛ لذا درست است که رشد و شکوفایی دانش هسته‌ای و شیمی و بیولوژیک در زندگی بشر بسیار پراهمیت است و این دانش فوائد بی‌شماری را برای حیات انسان رقم زده است و به‌نوعی لازمه زندگی امروز بشر است، اما متأسفانه سلاح‌های ساخته شده در سایه همین علوم، آثار وحشتناک و جبران‌ناپذیری را موجب شده است.

سلاح‌های هسته‌ای به دلیل این‌که از مواد هسته‌ای ساخته می‌شوند قدرت تخریب زیاد و کنترل‌نشده دارند که در صورت استفاده، حجم وسیعی از انرژی را به‌سرعت آزاد می‌کنند. این امر موجب کشتار و تخریب جمعی می‌گردد در صورتی‌که یک کلاهک گرمایی هسته‌ای یک مگاتنی در مناسب‌ترین ارتفاع روی یک شهر بزرگ منفجر شود تا پنج مایلی، موجودی زنده نخواهد ماند و پس از انفجار تا سال‌های طولانی تشعشعات زیان‌بار رادیواکتیو مانع ادامه حیات موجودات زنده در محل‌های نزدیک به انفجار می‌شود. اثر تشعشع یا پرتوهای رادیواکتیو (آلفا، گاما، نوترون) در اثر عمل یونیزه شدن به بافت‌های بدن انسان که در معرض تماس اشعه است، آسیب رسانده و علاوه بر آن ژنتیک انسان را دچار آسیب و تغییر می‌سازد. بروز سرطان خون و استخوان و جهش‌های مصنوعی از آثار بیولوژیک این سلاح‌ها بر انسان است. (مشیرپور-۱۳۹۴)

همچنین سلاح‌های شیمیایی مانند گاز سارین، خردل و فسفوژن و مانند آن‌ها روی سیستم عصبی یا دستگاه تنفسی و یا روی پوست بدن آثار مرگ‌بار یا صدمه‌های جبران‌ناپذیری را وارد می‌کنند، همچنان‌که نشر عوامل بیولوژیکی به‌وسیله بمب یا هواپیما ... موجب ابتلای درصد بالایی از جمعیت و مرگ دسته‌جمعی می‌شود.

تاریخچه کاربرد این نوع سلاح‌ها، حاکی از آثار وحشتناک این نوع سلاح‌ها و کشتار دسته‌جمعی انسان‌ها به‌وسیله آن‌ها است.

#### تخریب محیط زیست و حیات بشری

خداوند عمران و آبادانی زمین را به انسان‌ها واگذار کرده و فرموده است: ﴿وَأَسْتَعْمِرْكُمْ فِيهَا﴾ (و آبادانی آن را به شما واگذاشت) (هود(۱۱): ۶۱)؛ ﴿وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا﴾

وَيُهْلِكُ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ»، «هنگامی که روی برمی گردانند (و از نزد تو خارج می شوند)، در راه فساد در زمین، کوشش می کنند و زراعت‌ها و چهارپایان را نابود می سازند (با این که می دانند) خدا فساد را دوست نمی دارد.» (بقره (۲): ۲۰۵)

کاملاً مشخص است که به کارگیری جنگ افزارهای کشتار جمعی باعث فساد زمین و افساد در آن می شود.

امیر المؤمنین علی علیه السلام به مالک اشتر فرمودند: «وَلْيَكُنْ نَظْرُكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أْبْلَغَ مِنْ نَظْرِكَ فِي اسْتِجْلَابِ الْحَرَجِ لِأَنَّ ذَلِكَ لَا يَدْرُكُ إِلَّا بِالْعِمَارَةِ»؛ (نهج البلاغه، نامه ۵۳) باید توجه تو به آباد کردن زمین بیش از توجه به گرفتن مالیات باشد؛ زیرا مالیات جز در نتیجه آبادانی فراهم نمی آید.

پیامبر اکرم حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: مَنْ أَمَاطَ عَنِ طَرِيقِ الْمُسْلِمِينَ مَا يُؤْذِيهِمْ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَجْرَ قِرَاءَةِ أَرْبَعِمِائَةِ آيَةٍ، كُلُّ حَرْفٍ مِنْهَا بِعَشْرِ حَسَنَاتٍ.

هرکس مانعی از سر راه مردم برطرف کند مانعی که موجب اذیت و آزار آنهاست. خداوند پاداش و ثوابی معادل ثواب قرائت ۴۰۰ آیه قرآن به او اعطا می کند. (مجلسی، ۱۳۹۸، ص ۴) با بررسی آیات و روایات از تعالیم اسلامی این نتیجه گرفته می شود که انسان در قبال طبیعت و کل عالم مسئول است، و در برابر خداوند، جهان و دیگر انسان‌ها باید پاسخگو باشد، لذا این حق را ندارد که با استفاده از جنگ افزارهای کشتار جمعی نظام طبیعت و حیات بشری را به ورطه هلاکت و نابودی بکشانند.

داشتن احساس امنیت در جوامع بشری از ضروریات زندگی اجتماعی است:

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اجتماعی که وجود آن در هر جامعه‌ای، از ضروریات و به عبارت دقیق‌تر از نخستین ضروریات محسوب می شود و بدون آن زندگی سعادت‌مندانه برای آحاد مردم، امکان‌پذیر نیست، مقوله مهم و اساسی «امنیت» است؛ امری که در واقع منشأ و زیربنای تمامی امور بوده و با عدم آن هیچ‌گونه فعالیت فردی و اجتماعی دیگر چه در عرصه فرهنگی و چه در عرصه‌های دیگر نظیر صنعت، اقتصاد، هنر، سیاست و... انجام‌پذیر نخواهد بود. برخورداری از امنیت از نیازهای اولیه و از آرمان‌های دیرین بشری است و در دو حوزه «امنیت فردی» و «امنیت اجتماعی» مطرح می شود.

رهایی از کابوس جنگ و احساس ناامنی در برابر عواملی که آرامش زندگی و حقوق فرد و

جامعه را به مخاطره می‌افکند، وظیفه نخستین و غیرقابل انکار همه حکومت‌ها خواه دینی و خواه سکولار است و هم نیازمند تلاش جمعی همه ملت‌ها و یکایک ابناء بشر است؛ زیرا امنیت حالتی نیست که با فعالیت فردی و یا یک‌جانبه تحقق پذیرد؛ بلکه در این راه، همکاری افراد برای تأمین امنیت ملی و مشارکت همگانی در تأمین امنیت جهانی اجتناب‌ناپذیر است. غیر از تجاوز و ستمگری، تولید و تکثیر و مسابقه سلاح‌های میکروبی و هسته‌ای و ترور یا ایجاد رعب و وحشت از عوامل مهم تهدیدکننده امنیت در سطح بین‌المللی است. از این رو، مقابله با همه عوامل سلب امنیت در هر شکل و قالبی که باشد - از جمله سلاح‌های کشتار - مسئولیت همگانی است؛ زیرا این‌که بی‌شک همه عوامل تهدیدکننده امنیت از مصادیق (منکر) یعنی زشتی و پلیدی و ضدارزش است و مقابله با آن، مصداق نهی از منکر و زمینه تحقق (معروف) خواهد بود.

قرآن کریم به‌عنوان قانون اساسی آئین آسمانی اسلام و نیز بهترین نسخه شفابخش آلام روحی و جسمی انسان‌ها دربرگیرنده تمامی نیازهای دنیوی و اخروی و فردی و اجتماعی انسان‌هاست، نسبت به مقوله «امنیت» نیز توجه ویژه‌ای داشته و در آیات بسیاری ضمن بیان اهمیت موضوع «امنیت»، مخاطبان خود را نسبت به آن یادآور شده است، یکی از مشهورترین آیات قرآن کریم که در آن موضوع «امنیت» مورد تذکر واقع شده و مشتمل بر دعای پیامبر بزرگ خداوند حضرت ابراهیم علیه السلام درباره سرزمین و مردم مکه می‌باشد آیه: ﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ﴾

«و به یادآور هنگامی که ابراهیم علیه السلام عرض کرد: پروردگارا این سرزمین را شهر امنی قرار داده و اهل آن را، آن‌ها که ایمان به خدا و روز بازپسین آورده‌اند، از ثمرات (گوناگون) روزی ده...» (بقره (۲): ۱۲۶).

همان‌طور که گفته شد این آیه متضمن دعای ابراهیم علیه السلام درباره سرزمین مکه و اهل آن است و این دعا در حالی به پیشگاه الهی عرضه شده که: «مکه ترجیحاً شکل شهری به خود گرفته و قبیله جرهم در آن جا ساکن شده بودند و پیدایش زمزم آن‌جا را قابل سکونت ساخته بود.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲).

و در نتیجه آن پیامبر عظیم‌الشان در دعای خود اصلی‌ترین نیاز این اجتماع را درخواست «امنیت» دانسته «و این خود اشاره‌ای است به این حقیقت که تا امنیت در شهر یا کشوری

حکم فرما نباشد فراهم کردن یک اقتصاد سالم ممکن نیست!» (همان) و نه تنها اقتصاد سالم که اصولاً بر خورداری از یک زندگی انسانی مطلوب بدون وجود امنیت امکان‌ناپذیر است و «اگر جایی امن نباشد قابل سکونت نیست، هرچند تمام نعمت‌های دنیا در آن جمع باشد و اصولاً شهر و دیار و کشوری که فاقد نعمت امنیت است همه نعمت‌ها را از دست خواهد داد» (همان، ج ۱۰، ص ۲۶۶-۳۶۵)

اسلام دین صلح و امنیت است (اعراف(۷): ۱۹۸-۱۹۹) و پیامبر آن، رحمت برای تمام جهانیان بود (انبیاء(۲۱): ۱۰۷). علت اصلی پیشرفت و پذیرش اسلام در آن دنیای ۱۴۰۰ سال قبل، به دلیل اخلاق نرم، پرگذشت، به دور از خصومت و مهربانانه رسول خدا ﷺ بود. (آل عمران(۳): ۱۵۹)

دین مبین اسلام نه عملیات تروریستی و نه کشتارهای جمعی و استفاده از سلاح‌های هسته ای را قبول دارد. به عبارت دیگر، در اسلام، عملیات کشتار جمعی با مشخصاتی که بیان شد، نه تنها مورد تأیید نیست، بلکه جرمی بزرگ و از گناهان کبیره به شمار می‌رود که در دنیا و آخرت مجازات شدیدی برای آن تعیین شده است.

اسلام هیچ‌گاه نپذیرفته و حتی راضی هم نبوده است که فرد بی‌گناهی کشته شود. اسلام دین حقیقت است و هم اصل دعوت الهی به امنیت و سلامتی است: ﴿وَاللَّهُ يَدْعُوا إِلَى دَارِ السَّلَامِ﴾ (یونس(۱۰): ۲۵)؛ آن هم امنیت جاوید و سلامت ابد: ﴿سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ﴾ (رعد(۱۳): ۲۴) همچنین نحوه دعوت الهی با روش معروف و منطقی و به نیکوترین شیوه است: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...﴾. (نحل(۱۶): ۱۲۵) در روابط بین‌المللی اسلام نیز اصل همزیستی مسالمت‌آمیز حکم فرماست؛ چنانچه خدای متعال فرمود: ﴿لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾. (ممتحنه(۶۰): ۸) پس نه تنها به ستیز با کفاری که در دین با ما مبارزه نمی‌کنند و یا مسلمانان را از سرزمین خود آواره نمی‌کنند، دستور نمی‌دهد، ما را از نیکی کردن به آنان و حتی به عدالت رفتار کردن با آنان منع نمی‌کند. این درایت دین اسلام در زمان اوج اقتدار است تا از کفاری که در اقلیت بودند بخواهد بر اساس توحید و کلمه واحد جمع شوند: ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ﴾. (آل عمران(۳): ۶۴)

از دیدگاه اسلام، امنیت بالاترین نویدی است که به جامعه برین در راه ایمان و عمل صالح داده می‌شود و نیز بالاترین سطح ارتقا و تعالی بشر است: «وَلْيُبَدِّلْ لَهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا» (نور: ۲۴): ۵۵) تأمین امنیت عمومی برای همه شهروندان، خواه مسلمان یا غیرمسلمان، از وظایف اولیه همه حکومت‌هاست و چنانچه برای یکی از شهروندان حکومت اسلامی حتی اگر یهودی یا مسیحی باشد، به نحوی ناامنی ایجاد شود، امیرالمؤمنین، رهبر عالی و فرمانده کل قوا آن قدر ناراحت می‌شود که می‌گوید که اگر من علی یا هر انسان آزاده دیگر این خیر را بشنود و از تأسف جان دهد، جا دارد. (نهج البلاغه، نامه ۴۷).

مسلمانان در روی زمین موظف به حفظ امنیت جان، مال، ناموس، شرافت، عقل و ایمان یکایک بشر هستند و کسی نمی‌تواند از راه نامشروع، به امنیت آنان تعرض کند. اسلام حتی در زمان جنگ نیز جان مردمی که به مقابله برخاسته‌اند (زنان، مردان، پیران، کودکان، عابدان و عبادتگاه‌ها و...) حفظ کرده و تعرض به آنان را روا نمی‌دارد. (محقق داماد، ۱۳۹۸، ص ۱۹۰).

از جمله راه‌کارهای اسلام برای حفظ کرامت انسان، مبارزه با عوامل ناامنی و سلب آسایش اوست. در فقه اسلامی، واژه سلاح‌های کشتار جمعی یا هسته‌ای و بیولوژیکی وجود ندارد؛ اما آموزه‌هایی در شریعت اسلامی وجود دارد که بیانگر نفی مشروعیت تولید و به کارگیری و حتی مبارزه با آن‌هاست.

در اسلام، مسئولیت مقابله با تهدید و ارباب یک وظیفه واجب کفایی و همگانی است که باید همه در برابر عوامل تهدید و ارباب بایستند و از مظلوم دفاع کنند و خصم ظالم باشند تا امنیت برای مسلمانان فراهم شود.

سخن طلایی و مشهور امام علی علیه السلام به فرزندانانشان امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام که بر تارک عالم می‌درخشد «کونا للظالم خصما و للمظلوم عونا». پیوسته دشمن ظالم و یاور مظلوم باشید. (نهج البلاغه، نامه ۴۷).

دلیل روشنی بر اهمیت تهدیدزدایی از جامعه بشری است؛ زیرا در سخن آن حضرت، «ستمگر و ستم‌دیده» به طور مطلق آمده است و این خط‌مشی کلی در سیاست علوی است که «همواره دشمن ظالم و یاور و پشتیبان مظلوم باشید» و مفهوم آن این است که حتی اگر ظالم، مسلمان و مظلوم و بی‌گناه از اسلام باشد. در هر حال، وظیفه مسلمان ایستادن در کنار مظلوم و یاری او علیه ستمگر است. استفاده از جنگ‌افزارهای کشتار جمعی به‌نوعی همان عملکرد تروریستی به حساب می‌آید:

استفاده دولت‌ها از سلاح‌های هسته‌ای و جنگ‌افزارهای کشتار جمعی سبب رعب و وحشت مردمی می‌شود به همین دلیل از نظر حکمی این عمل نوعی فعالیت تروریسمی به شمار می‌رود. برخی فقیهان شیعه با نزدیک دانستن معنای تروریسم با تهدید و ارعاب، معتقدند ترور عبارت است از: «هر نوع عملی که به منظور اهداف غیرانسانی و در جهت فساد، و متضمن به خطر افکندن امنیت و ایجاد زمینه تعرض و محدودیت در مورد حقوق مشروع بشری و موجب سلب آرامش گردد». (عمید زنجانی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۴۲۶-۴۲۷).

گفتنی است تهدید و ارعاب به این معنا می‌تواند در قالب‌های مختلف نمود پیدا کند؛ از جمله در شکل تولید سلاح‌های مخوف هسته‌ای، میکروبی، استراتژی‌های جنون‌آمیزی چون جنگ ستارگان، پیمان‌های نظامی و.... (همان)

#### عوامل مشترک استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی با تروریسم

- الف. مهم‌ترین علت سلب امنیت و آسایش عمومی مردم جامعه
- ب. هدف اصلی از استفاده این قبیل سلاح‌ها، مقاصد غیرانسانی و ضدبشری است که معمولاً عاملان تهدید و ارعاب را به انجام جنایاتی علیه بشریت وامی‌دارد؛ (همان).
- ج. اقدام خشنوت‌آمیز و به‌کارگیری سلاح یا تهدید به آن؛
- د. غیرقانونی بودن و هنجارشکنی اقدامات تروریستی؛
- ه. مهم‌تر از همه این‌که، قربانیان در هر دو مورد، غیرنظامیان و افراد بی‌گناه هستند.

#### تفاوت جهاد در اسلام با کشتار جمعی

همان‌طور که در قسمت دیدگاه اسلام به جهاد و استفاده از جنگ‌افزارهای کشتار جمعی، توضیح داده شد، دو حالت از جهاد در شریعت و دین مبین اسلام بیان شده است، جهاد ابتدایی که باهدف دعوت کفار و مشرکین به توحید صورت می‌پذیرد و دیگری جهاد دفاعی که برای دفاع از خود یا دیگری است و استفاده از جنگ‌افزارهای کشتار جمعی در آن ممنوع می‌باشد. در جهان کنونی به دلیل تبلیغات گسترده رسانه‌ای دشمنان اسلام و نیز فعالیت‌های نادرست افرادی که به اسم اسلام یا با ظاهر اسلامی انجام داده‌اند، باعث شده است که آموزه‌های هدایت بخش اسلام درباره دفاع از خود (جهاد دفاعی) و دفاع از حقوق اساسی بشر (جهاد دعوت)، مستمسک توجیه اقدامات تروریستی و کشتار افراد بی‌گناه و بمب‌گذاری، عملیات انتحاری،



ایجاد ترس و وحشت در بین مردم قلمداد شود و این کاملاً برخلاف دین مقدس اسلام است. خدای متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا...» (بقره (۲): ۱۹)؛ یعنی حتی با همان کسانی نیز که با شما نبرد می‌کنند، نباید در مقام دفاع و مقابله، به بیش از اندازه دفاع اقدام کرد؛ تجاوز حتی به دشمن نیز ناصواب و نارواست، جز آن‌چه به‌منظور پیشگیری از تجاوز باشد که آن هم اقدامی با ماهیت دفاعی است، نه تجاوزگری. (حسینی، ۱۳۸۲، ص ۱۸۵ و ۲۰۵-۲۰۶).

طبق آیات و منابع بی‌شمار اسلامی تعرض به غیرنظامیان و کشتار مردم بی دفاعی که در میدان نبرد علیه مسلمانان فعالیتی نداشتند، نه تنها معنا و مبنای منطقی و شرعی ندارد؛ بلکه به شدت مورد نهی و حرمت است و در شریعت نبوی جهاد حوزه و چهارچوب مشخصی دارد و شامل افراد بی‌گناه و غیر نظامی و... نمی‌شود.

#### رعایت اصل تفکیک در اسلام

از جمله اصول حاکم بر جنگ در نظام حقوق بین‌الملل معاصر، اصل تفکیک است. بر اساس مواد ۴۸، ۵۱(۲) و ۵۲(۲) پروتکل الحاقی اول به کنوانسیون‌های ژنو، حملات فقط می‌تواند علیه رزمندگان انجام گیرد و نباید متوجه افراد غیرنظامی باشد. در عین حال بر اساس بند ۳ ماده ۵۱ همان سند، این حمایت با شرکت مستقیم غیرنظامیان در جریان درگیری از دست می‌رود.

اصل تفکیک انسانی و مصونیت غیرنظامیان در جنگ‌ها به‌عنوان دستاوردی مترقی، از اصول خدشه‌ناپذیر در نظام «حق در جنگ» از منظر اسلام است. اگرچه در میان منابع اسلامی تنها گروه‌های خاص همچون زنان، کودکان، سالخورده‌گان و... به‌طور مستقیم دارای مصونیت شمرده شده‌اند، ملاک این مصونیت با استقرار در ادله خاص قابل استنباط می‌نماید؛ این مناط عبارت است از «عدم دخالت سازنده و تأثیرگذار در روند جنگ».

در نتیجه می‌توان گفت در جنگ‌های امروزی؛ پناهندگان سیاسی، خبرنگاران، جمعیت هلال‌احمر، رانندگان کامیون‌های حمل کمک‌های انسان‌دوستانه، نمایندگان کشورهای بی‌طرف و مانند آن‌ها از مصونیت جانی برخوردارند.

بر همین اساس در صورتی که افراد غیرنظامی به‌طور مستقیم مرتکب فعالیت خصمانه شوند، این مصونیت از دست خواهد رفت، هم چنین اگر به‌گونه‌ای غیرمستقیم در پیشبرد روند

جنگ تأثیر گذارند، دیگر مصونیت ندارند چه این که بر چنین افرادی عرفاً نیز به‌عنوان «نیروی مسلح و نظامی» قابل اطلاق است.

این از وجوه تمایز دیدگاه اسلام با نظم حقوق بین‌الملل معاصر است. تفاوت دیگر این که زنان، کودکان و مجانین حتی در صورت دخالت مستقیم در جنگ مصونیت خود را از دست نمی‌دهند، مگر آن که تعرض به آنان به استناد ضرورت لازم باشد.

لذا در میدان نبرد، باتوجه به اصل تفکیک، کشتار غیر رزمندگان شامل کشاورزان، تاجران، بازرگانان، پیمانکاران، اطفال، زنان، نابینایان، معلولان، راهبان و صومعه‌نشینان و همچنین رعایت اصل محدودیت در سه بعد زمانی، یعنی تحریم آغازگری جنگ در ماه‌های حرام (به مدت ۴ ماه) و مکانی (اماکن محترم اعم از مسجد الحرام، اماکن مقدس دیگر حتی کنیسه‌ها و کلیساها) و محدودیت در شیوه که هم می‌گوید مسلمان مجاز نیستند با هر وسیله ممکن، دشمن را از پای درآورند، هرچند که اقدامات دشمن خلاف کرامت انسانی باشد.

#### اشاره به دو مطلب

الف. «برخورد با غیرنظامیان»: یکی از مسائلی که بیان‌گر انگیزه و هدف جنگ است، نحوه برخورد با غیرنظامی‌ها و مردم بی‌دفاع می‌باشد. در اندیشه یهودیان؛ یهودیان مدعی فلسطین، از قول خدای ملی خویش «یهوه» می‌نویسند: «وقتی به شهری وارد شدید، فراموش نکنید که باید ساکنین آن را با لبه تیغ به قتل رسانید؛ آن‌ها را ریشه‌کن نمایید؛ خونشان را هدر دهید؛ هر چه در آن جا یافتید نابود کنید و حتی حیوانات را هم زنده نگذارید.» (زعیترا، ۱۳۸۸، ص ۱۷).

البته این اندیشه منحصر به یهودیان نیست و روس‌ها نیز در اندیشه و عمل پیرو این تفکرند: «روس‌ها... نه تنها انسان، بلکه هر موجود زنده را که ببینند، از آتش مسلسل و راکت هلیکوپترهای آن‌ها در امان نیستند؛ چهارپایان را با شلیک مسلسل می‌کشند؛ زیرا این چهارپایان مورد استفاده مبارزه مسلمان قرار دارند.» (حر عاملی، ۱۴۱۲، ج ۱۱، ص ۳۲-۴۳).

در اندیشه و نگاه اسلام، مبارزه در راه خدا و برای خداست و هدف و انگیزه، دفاع از حق، استقرار نظام اسلامی، پاسداری از آن و... است و در این راه هیچ مبارز مسلمانی نمی‌تواند کوچک‌ترین ظلم و ستمی را به افراد غیرنظامی وارد کند؛ همچنان که نمی‌توان ظلم و بی‌عدالتی را وسیله‌ای برای رسیدن به پیروزی قرارداد.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «کسی که با توسل به گناه پیروز شود، پیروز نیست و کسی که با ستم غلبه کند، در واقع مغلوب است». (نهج البلاغه، حکمت ۳۲۷).

ب. «مصونیت پیران، کودکان، زنان، دیوانگان»: از جمله نمونه‌های احترام اسلام به ارزش‌های انسانی، مصونیت گروه‌های مزبور در جنگ است. لشکر اسلام در جنگ حق ندارد متعرض پیران، کودکان، زنان و دیوانگان شود.

در روایتی آمده است، از جمله توصیه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله در هنگام اعزام نیرو به جبهه این بوده است که فرمانده آن را فرامی‌خواند و می‌فرمود: «به نام خدا، برای خدا، در راه خدا و به روش رسول خدا صلی الله علیه و آله بروید؛ مکر و حيله نکنید؛ خیانت نکنید؛ مثله نکنید؛ درختی را قطع نکنید؛ مگر آن‌که ناچار شوید. پیران فرتوت بچه و زن (که کاری در جنگ از آن‌ها ساخته نیست) را نکشید...» (حرعاملی، ۱۴۱۲، ج ۱۳).

در روایت دیگری، امام صادق علیه السلام به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله علت معافیت زنان و کودکان از پرداخت جزیه را ممانعت از کشتن آنان حتی در دارالحرب و منطقه جنگی می‌داند. (همان، ج ۱۷ حدیث ۱، ص ۴۷-۴۸).

وقتی رسول اعظم صلی الله علیه و آله از کشتن زنان و کودکان در منطقه جنگی (دارالحرب) نهی می‌کند، چگونه می‌توان تصور کرد که شریعت او استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی را مجاز بداند؟! در حدیث دیگری آمده است پیامبر صلی الله علیه و آله در یکی از جنگ‌ها جنازه زنی را دید؛ بسیار متأثر شد و گفت چرا او را کشتید؟ او که سزاوار کشتن نبود. (خاتمی، ۱۳۷۵، ص ۹۹).

امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در این مورد می‌فرماید: «زنان را با آزار دادن تحریک نکنید؛ هرچند آبروی شما را بریزند یا امیران شما را دشنام دهند، که آنان در نیروی بدنی و روانی و اندیشه کم توانند». (نهج البلاغه، نامه ۱۴).

مرحوم شهید اول می‌گوید: «قتل کودکان زنان و دیوانگان، هرچند به کفار در حال جنگ کمک رسانند، جز در موارد ناچاری جایز نیست.» ایشان در بیان موارد ضرورت و ناچاری می‌گوید: «هرگاه کفار کودکان، زنان و... به‌عنوان سپر قرار دهد و پیروزی بر آن‌ها متوقف بر قتل کودکان، زنان و... باشد، کشتن آن‌ها جایز است؛ ایشان در مورد پیران می‌فرماید: «قتل آن‌ها جایز نیست؛ مگر این‌که به‌واسطه رأی و نظر کفار را یاری نمایند.» (شهید ثانی، ۱۴۰۹).

منابع اهل سنت نیز مملو از منع جمع میان نظامیان و غیرنظامیان است و اعمال زیر در آنها ممنوع است:

«کشتن افراد غیر مباشر در جنگ. فقط کسانی مباشر در جنگ هستند که توان جسمی برای جنگیدن داشته باشند (المقاتل من له بنیه للقتال)، اما کودکان، زنان، خادمان و بردگانی که همراه اربابان خود هستند و هنوز به شکل عملی وارد جنگ نشده‌اند، نابینایان، راهبان، زاهدان، سال‌خوردگان، کسانی که توان جنگیدن ندارند، دیوانگان و مجانین، مقاتل نیستند.» (حمیدالله، ۱۳۸۶، ص ۴).

در برخی دیگر از منابع اهل سنت این موارد نیز ممنوع است: «کشتن دهقانان، هنگامی که نمی‌جنگند و نتیجه‌ی جنگ برای آن‌ها تفاوتی ندارد و تعرض به کسبه، بازرگانان و خدمه و امثال آن‌ها تا زمانی که در جنگ فعال نیستند.» (همان).

استفاده از مواد سمی و ارسال آب و آتش در جنگ در شریعت اسلام جواز داده نشده است: همچنین به‌کارگیری سلاح‌های جنگی یا مواد سمی و میکروبی، سوزاندن دشمن چه در حال حیات و چه پس از مرگ، قطع اشجار و ایجاد حریق در کشت‌زارها و قطع آب آشامیدنی ممنوع است. (محقق داماد، ۱۳۹۸، ص ۱۹۰).

نظر اسلام در توجه به موارد انسان‌دوستانه و چشم داشتن به قواعد خیرخواهانه، آن‌قدر گسترده است که بی‌شک استفاده از جنگ‌افزارهایی را که مغایر با اصول و اساس مقررات و آیین کارزار اسلامی باشد، منع می‌کند و استفاده از مهماتی که به طبیعت منطقه جنگ و غیر جنگجویان و حتی حیوانات و جنبندگان آن ناحیه آسیبی برساند و دارای آثار و عواقب ناخوشایند بعدی باشد، از نظر شریعت اسلام حرام است.

#### روایات شیعه درباره سلاح‌های کشتار جمعی

در ادامه به چند روایت از منابع روایی شیعه اشاره می‌شود:

امام صادق علیه السلام به نقل از امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نهی کرده است که سم در بلاد مشرکین استعمال شود.» (حر عاملی، ۱۴۱۲، ج ۱۵، حدیث ۲، ص ۴۳).

دینی که از بریدن درختان و تخریب کشتزارها و محیط‌زیست جلوگیری می‌کند و اجازه نمی‌دهد جنازه دشمن قطعه‌قطعه شود؛ چون یک کار غیراخلاقی است، چگونه می‌تواند اجازه

بدهد زن و مرد و بچه و افراد پیر و سالخورده و ناتوان و بی‌گناه و بی‌سلاح یک جا نابود شوند؟! حق حیات بنیادی‌ترین حقوق بشری؛ حق حیات بنیادین‌ترین حق انسانی است دیگر حقوق پیش‌بینی‌شده در اسناد بین‌المللی حقوق بشر متوقف بر حق حیات است. اهمیت این حق تا بدان‌جا است که حتی در شرایط اضطراری نیز نمی‌توان آن را نقض کرد در حقیقت به تصریح بخش دوم ماده چهار میثاق حقوق مدنی سیاسی حتی در موارد اضطراری کشورها نمی‌توانند به بهانه این‌که حیات و بقا و ملت در معرض تهدید است حق حیات افراد را نقض کند. ماده شش میثاق حقوق مدنی سیاسی به تفصیل از حق حیات سخن می‌گوید.

حال در اسلام که نفس انسان‌ها محترم شمرده می‌شود، چگونه می‌تواند با کشتن انسان‌های بی‌گناه و عملیات کشتار جمعی که منجر به قتل نفس نه یک نفر بلکه شمار فراوانی از انسان‌ها می‌شود، موافق باشد و یا به آن رضایت دهد؛ درحالی‌که پروردگار متعال با صراحت می‌فرماید: «هر کس انسانی را بدون ارتکاب قتل نفس (به قصد قصاص) یا فساد در زمین (به قصد مجازات مفسد فی الارض) بکشد، چنان است که گویی همه انسان‌ها را کشته است و هر کس انسانی را از مرگ رهایی بخشد (او را زنده کند) چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است.» (مائده (۵): ۳۲)؛ (التراس، ۱۳۷۳، ص ۱۸۹-۱۸۸) در این آیه، موارد مشروع قتل دو مورد شمرده شده است: الف: از روی قصاص؛ ب: ایجاد فساد در زمین؛ و ترور، که سلب امنیت و آسایش از مردم به انگیزه‌های سیاسی و خشونت غیرقانونی است خود، فساد فی الارض است، نه مقابله با فساد و خونریزی.

چگونه اسلام می‌تواند با عملیات کشتار جمعی موافق باشد، درحالی‌که امیرالمؤمنین علیه السلام در سفارش به مأموران جمع‌آوری زکات فرمودند: «هیچ چهارپایی را رم نده و نترسان» (نهج البلاغه، نامه ۲۵).

وقتی ترساندن و ایجاد وحشت برای حیوانات در حدّ رم دادن آنان جایز نباشد، به قطع به دلالت اولویت ترساندن و ارباب انسان‌ها و کشتار جمعی از انسان‌های بی‌گناه، مخالف دستور ایشان و نارواست.

انگیزه‌های والای جهاد و رعایت قوانین انسانی: مکتب اسلام رعایت قواعد انسانی را در جهاد الزامی ساخته است؛ زیرا در اسلام، جهاد برای نمایش قدرت نیست. جهاد به‌منظور

اعمال فشار سیاسی و به‌کارگرفتن زور و نیروی فیزیکی در القای عقیده و ایدئولوژی نمی‌باشد. غایت جهاد، زورمندی، سلطه‌گری، استبداد، استثمار و استعمار نیست؛ بلکه جهاد در نهایت امر برای رهنمون ساختن انسان به راه راست، هدایت او به انتفاع عقلایی از حیات و طبیعت و بهره‌وری از مواهب الهی، تنظیم برادری و برابری در جامعه، رشد دادن به آدمیت او و کمال بخشیدن به شئون او است. به همین دلیل رابطه فرمانده با افسر و سرباز، در ارتش اسلامی، رابطه‌ای در کمال آسودگی و آسایش و در نهایت نظم و وفاداری و همراهی است. هدف چنین ارتشی، نمی‌تواند جز خیر عموم و سعادت کل بشری باشد.

کینه و ستیزه، دشمنی شخصی و گروهی و اغراض غیر الهی از گستره آموزه‌های مکتب اسلام بیرون است. «اسلام دینی مبتنی بر آیین ایمان و عقیده است» و فقط در مقابل ستمگرانی که با برهان و استدلال قانع نشده و به راه عناد و لجاج رفته‌اند، استفاده از شمشیر و اسلحه را مجاز دانسته است. به همین دلیل، حتی در جنگ نیز رعایت قواعد بشردوستانه را الزامی ساخته است که از جمله آن‌ها می‌توان به چند نمونه ذیل اشاره کرد: ممنوعیت به غل و زنجیر کشیدن افراد چه در جنگ و چه در صلح؛ تحریم کشتن پیران و از کارافتادگان و کسی که شروع به جنگ نکرده است؛ ممانعت از کشتن از روی گمان یا تهمت؛ نامشروع بودن مجازات قبل از ارتکاب جرم؛ (طباطبائی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۴)؛ انحصار اهداف تعرضی فقط به جنگجویان و هدف‌های استراتژیک؛ زهرآلود کردن یا ریختن سم و مواد شیمیایی به آبشخورها؛ (رشید، ۱۳۵۳، ص ۴)؛ ناروا بودن کشتن دیوانگان و زنان و اطفال کفار، اگرچه به دشمن کمک کرده باشند؛ (نوری، ۱۳۲۰، ج ۲، ص ۲۴۹)؛ ناروا بودن مثله کردن دشمن و گوش و حلق و بینی و اعضای ایشان را بریدن؛ (علامه حلی، ۱۴۰۸، ص ۱۱۲-۱۱۳)؛ ناروا بودن پی کردن حیوانات اهلی و دام‌های دشمن؛ (همان)؛ ناروا بودن منهدم کردن اموال دشمن، مگر در ضرورت؛ (همان، ص ۲۰۳)؛ در حالی که در جهان آن‌روز، نه پایبندی به حقوق جنگ ضمانتی داشت و نه حقوق بشردوستانه در عمل یا نظر جایگاه و اعتبار خاصی داشت.

### عدالت‌ورزی و عدالت‌خواهی

عدالت‌محوری در اسلام از مباحث بسیار مهم و اساسی می‌باشد و به‌ویژه در اندیشه شیعی

به عدالت به‌عنوان یک رکن اساسی و محوری نگاه می‌شود.

در ابواب مختلف فقهی از جمله در کتاب الجهاد یکی از شرایط مهم و خوب جهاد را به فرماندهی و رهبری امام و پیشوای عادل می‌داند و با صراحت، جهاد با امام غیرعادل را نه تنها واجب نمی‌داند، تحریم هم می‌کند.

چنان‌که شیخ حر عاملی در وسائل الشیعه در کتاب الجهاد بحشی را با عنوان «باب اشتراط وجوب الجهاد بأمر الامام و اذنه و تحریم الجهاد مع غیر الامام العادل» اختصاص می‌دهد. (حر عاملی، ۱۴۱۲).

بر اساس اندیشه شیعی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بازتاب یافته است، در رأس هرم قدرت نظام اسلامی، ولی فقیه عادل قرار دارد. این بدان معناست که چنانچه فرمانده میدان جنگ و جهاد یا رهبری در نظام اسلامی به آموزه‌های مذکور عمل نکرد و برخلاف تحریم شرعی، درصدد تولید سلاح کشتار جمعی و استفاده از آن برآید، از مقام و منصب مزبور، خودبه‌خود و با اعلام مجلس خبرگان رهبری عزل می‌شود؛ زیرا عادل کسی است که مقررات شرعی را رعایت می‌کند، و این بهترین پشتوانه و ضمانت اجرایی برای این معاهدات و موازین بین‌المللی است.

نظام جمهوری اسلامی ایران بر طبق موازین شرعی بوده و بر محور عدالت است و رهبری این نظام هم کاملاً به اعتقادات اسلامی پایبند بوده و استفاده از جنگ افزارهای کشتار جمعی را رد نموده و بر خلاف موازین شرعی می‌داند.

### مشکلات روان‌شناختی و بحران‌های ناشی از استفاده جنگ افزارهای کشتار جمعی

به‌طورکلی در بحران‌های جدی به‌ویژه در حملات با ابزارهای کشتار جمعی و هسته‌ای، می‌توان نشانه‌های نابهنجاری را در فرد و جامعه مشاهده کرد. احساس ناتوانی جسمانی و ناامیدی عمیق از ویژگی‌های اصلی افراد درگیر در بحران می‌باشد، به‌گونه‌ای که این ناتوانی به گسیختگی ناکام‌کننده در نظام روابط فردی و گروهی منجر می‌شود.

مشاهده یا دریافت اخبار مربوط به تلفات و مجروح شدن افراد می‌تواند فرایند تروماتیزه شدن در فرد را تسریع نماید.

از طرف دیگر نشانه‌های ادراک عدم امنیت، عجیب و غریب به نظر رسیدن نشانه‌های آشنا، تحریف فضای ادراکی و حس اجتماع تهی در افراد جامعه بوضوح قابل مشاهده است. در چنین

حالت و وضعیتی نشانه‌های اصلی استرس تروماتیک همانند برانگیختگی هیجانی بالا، اختلال در خواب، تحریک پذیری، اشکال در تمرکز، واکنش‌های جسمانی شدید، واکنش‌های اضطراب‌تعمیم یافته در افراد تجربه می‌شوند.

چه بسا مشکلات عدیده روحی و روانی بسیاری که در جریان استفاده از سلاح‌های مرگبار برای نسل بشری پیش می‌آید که از هیچ طریقی قابل جبران نیست.

### نتیجه

علی‌رغم وجود قواعد عام و خاص حقوقی و اخلاقی در زمینه سلاح‌های کشتار جمعی و هسته‌ای، وضعیت حقوقی این سلاح‌ها هنوز شفاف و بی‌چون‌وچرا نیست و حقوق بین‌الملل پیرامون آن، کارکردهای کمی و کیفی متفاوتی داشته است.

دین مبین اسلام، آیین دوستی، آرامش، مهرورزی، عدالت‌طلبی، صلح و همدوستی می‌باشد و آیات قرآن کریم و روایات و آموزه‌های انبیا و اولیای الهی گویای همین مطلب است از این رو، تولید و به‌کارگیری سلاح‌های کشتار جمعی از دیدگاه اسلام، نه تنها توصیه نمی‌شود، ممنوع و حرام شرعی است؛ زیرا استفاده از این قبیل سلاح‌ها با آرمان و هدف بزرگ اسلام هم‌خوانی ندارد چرا که فقه و شریعت نبوی در راستای کمال انسان‌ها و تعالی روحی و فکری آنان تلاش نموده است تا کشتار مردم بی‌دفاع در جریان قتل و کشتارهای دسته‌جمعی.

در کنار آیه‌های محرز و موضع مشخص اسلام، برخی اشاره به جواز تولید سلاح‌های کشتار جمعی دارند که مهم‌ترین ادله برای جواز، ادله وجوب آمادگی برای دفاع و لزوم مجهز شدن به سلاح‌هایی به‌منظور بازدارندگی دشمن است. اگرچه ظاهر برخی آیه‌ها و روایت‌ها دلالت بر جواز، بلکه وجوب مجهز شدن به هر سلاحی از جمله سلاح‌های کشتار جمعی به‌منظور وحشت دشمنان و با هدف نهایی ایجاد صلح و امنیت را دارد، اما به این دلیل که وجود این سلاح‌ها بسیار خطرناک می‌باشد و تولید و انباشت و افزایش توان تخریبی آن‌ها خود عاملی برای برهم‌زدن امنیت و آرامش روحی جامعه است و منافات باهدف غایی اسلام دارد و از طرف دیگر دست‌یابی و تولید و افزایش توان تخریبی این سلاح‌ها تهدیدی برای صلح و امنیت جهانی است و ثانیاً دست‌یابی به آن مستلزم ضرر و آسیب جدی به محیط‌زیست و در نهایت به انسان و حتی نسل‌های آینده است و ثالثاً به دلیل این که برخورداری از این سلاح‌ها ضامن تحکیم و



حفظ قدرت‌های دارندگان آن نیست و تولید و انباشت این سلاح‌ها کاری بیهوده و مصداق اسراف و تضييع اموال عمومی است، لذا تولید، نگهداری و افزایش توان تخریبی سلاح‌های کشتار جمعی جایز نبوده و حکم حرمت بر آن جاری است. در نتیجه باید گفت از دیدگاه فقهی و اخلاقی استفاده از جنگ‌افزارهای کشتار جمعی و سلاح‌های هسته‌ای که جان و مال و زندگی انسان‌ها را به ورطه نابودی می‌کشاند کاملاً مضموم و ناپسند است و نظر علمای جهان اسلام و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در رد تولید و به‌کارگیری این قبیل سلاح‌ها می‌باشد.

## منابع

۱. نهج البلاغه، شریف‌الرضی، محمد بن حسین، (۱۳۷۹ هـ ش)، ترجمه محمد دشتی، قم.
۲. آل شیخ، عبدالوهاب بن حسن، (۲۰۱۰ م)، احکام حیاة الاسلحه، الرياض، جامعه النایف العربیه.
۳. البرزی ورکی، مسعود، (۱۳۸۳ هـ ش)، نقد و بررسی نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری راجع به تهدید یا توسل به سلاح‌های هسته‌ای، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۱۳۱، پاییز.
۴. حر عاملی، محمد بن الحسن، (۱۴۱۲ ق)، وسایل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لإحیاء التراث.
۵. حسینی، سید ابراهیم، (۱۳۸۲ هـ ش)، اصل منع توسل به زور و موارد استثنا آن در اسلام و حقوق بین‌الملل معاصر، تهران، دفتر نشر معارف.
۶. حمیدالله، محمد، (۱۳۸۶ هـ ش)، سلوک بین‌المللی دولت اسلامی، ترجمه سید مصطفی محقق داماد، تهران، مرکز نشر علوم انسانی.
۷. حنبل، أحمد بن محمد بن حنبل، (۱۴۱۶ ق)، مسند احمد، بیروت، لبنان، مؤسسه الرساله.
۸. خاتمی، سید احمد، (۱۳۷۵ هـ ش)، ابعاد جنگ در فرهنگ اسلام، تهران، امیرکبیر.
۹. رشید، احمد، (۱۳۵۳ هـ ش)، اسلام و حقوق بین‌الملل عمومی، ترجمه سید حسین سیدی، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی مرکز مطالعات عالی بین‌المللی.
۱۰. زعیترا، اکرم، (۱۳۸۸ هـ ش)، سرگذشت فلسطین، ترجمه علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی، تهران، موسسه بوستان کتاب.
۱۱. سیاه رستمی، هاجر، (۱۳۸۶ هـ ش)، قواعد اساسی کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷، تهران، انتشارات سر سم.
۱۲. شهیدثانی، زین‌الدین بن علی بن احمد عاملی جُبعی، (۱۴۰۹ ق)، روضه البهیه فی شرح اللمعة الدمشقیة، نجف، مکتبه الدواری.
۱۳. صدر، سید محمد، (۱۴۲۰ ق)، ماوراء الفقه، بیروت، دارالاضواء.
۱۴. طباطبائی، سید محمد حسین، (۱۳۷۵ هـ ش)، المیزان، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۵. علامه حلّی، محقق، نجم‌الدین، جعفر بن حسن، (۱۴۰۸ ق)، شرایع الاسلام، قم، مؤسسه اسماعیلیان.

۱۶. عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۷۷ هـ ش)، فقه سیاسی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۱۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ ق)، العین، قم، مؤسسه دارالهجره.
۱۸. مجلسی، محمدباقر، (۱۳۹۸ هـ ش)، بحار الانوار، مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.
۱۹. محقق داماد، سیدمصطفی، (۱۳۹۸ هـ ش)، حقوق بشر دوستانه بین‌المللی رهیافتی اسلامی، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
۲۰. مشیرپور، فریبا، (۱۳۹۴ هـ ش)، فن‌آوری هسته‌ای و حفاظت از محیط زیست، چاپ ۱، تهران، انتشارات مجد.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ هـ ش)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر، استفتاء، کد رهگیری: ۹۴۰۹۲۲۰۱۵۸
۲۳. ممتاز، جمشید، (۱۳۷۷ هـ ش)، حقوق بین‌الملل سلاح‌های کشتار جمعی، ترجمه و تحقیق امیرحسین رنجبریان، تهران، نشر دادگستر.
۲۴. مومن، محمد (۱۳۸۰ هـ ش)، «جهاد ابتدایی در عصر غیبت»، مجله فقه اهل بیت علیهم‌السلام، ش ۲۶.
۲۵. نوری، حسین بن محمد تقی، (۱۳۲۰ هـ ش)، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لاحیاء التراث.
۲۶. والتراس، جونز، (۱۳۷۳ هـ ش)، منطق روابط بین‌الملل، ترجمه داود حیدری، تهران، اداره نشر وزارت امور خارجه.
۲۷. هیکل، محمد خیر، (۱۴۱۷ ق)، الجهاد و القتال فی السیاسة الشرعیة، بیروت، دارالاضواء.